

خلاصہ دستور زبان فارسی

تألیف : پرہیز برہری

از اقتضات : نامہ نگاری شوق

چاپ: بودر جہری

نامه نگاری شیوا

جهت خرید و فروش و معاوضه نمبرهای باطل شده و باطل
نشده و یادگاری و غیره ایرانی - خارجی - قدیم و جدید
و هم چنین خرید و فروش و معاوضه انواع کارت پستال
با ما مکاتبه کنید -

آدرس: ایران - تهران - صندوق پستی ۷/۷۰۳۳

نامه نگاری شیوا

قیمت ۱۳۳ ریال

اسکین شد

خلاصه دستور زبان فارسی

تألیف : پرویز بربری

از انتشارات : نامه نگاری شیوا

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است

چاپ بودرجمهری

دستور زبان فارسی

دستور زبان فارسی قواعدی است که بوسیله آن درست گفتن و درست نوشتن را بیاموزند .

کلمه - کلمه لفظی است که دارای معنی باشد و برنه گونه است از اینقرار :

- ۱ - اسم ۲ - صفت ۳ - کنایه ۴ - عدد
- ۵ - فعل ۶ - قید ۷ - حروف اضافه ۸ - حروف
- ۹ - ربط ۱۰ - اصوات و ادوات .

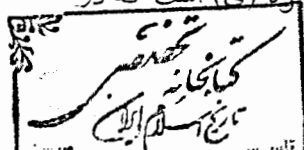
فصل اول : اسم

اسم یا نام کلمه‌ای است که برای نامیدن انسان یا حیوان و یا چیزی بکار رود مانند : خانه - پسر - دختر - اسب - الاغ^۱ - کوشش - راستی اسم دارای انواع مختلفی است از اینقرار :

اسم ذات و معنی - اسم ذات اسمی است که وجودش وابسته بخود باشد مانند : کتاب - قلم - درخت و ...
اسم معنی اسمی است که وجودش به دیگری وابسته باشد مانند : کوشش - سیاهی - خوبی و ...

اسم معرفه و اسم نکره - معرفه آنست که در نزد مخاطب معلوم و آشکار باشد مانند : کتاب را آوردم که کلمه کتاب برای مخاطب معلوم و آشکار است .

نکره اسمی است که در نزد مخاطب آشکار نباشد مانند : امروز کتابی خریدم علامت نکره (ی) است که در



آخر اسم میافزایند مانند : کلمه کتاب که با افزودن (ی)
کلمه کتابی شده است (در جمله فوق)
اسم مفرد و جمع - مفرد آنست که بر یکی دلالت
کند مانند : کتاب - کاغذ - درخت .

جمع آنست که از دو به بالا را بیان کند مانند :
کتابها - درختان علامت جمع در فارسی (ها) و (ان) است
کلیه اسمهای فارسی را میتوان با (ها) جمع بست و بعضی
از اسمهای فارسی گذشته از (ها) با (ان) نیز جمع بسته
میشوند بهتر آن باشد که از جمع بستن کلمات با (ات) در
زبان فارسی خودداری نمائیم علامت جمع در عربی (ین)
و (ون) و (ات) است که گاهی با اشتباه بعضی از کلمات فارسی
با آن جمع بسته شده .

باید در نظر داشت در کلماتیکه به (الف - و) ختم
میشوند پیش از علامت جمع (ی) اضافه نمایند مانند : دانا
دانیان - سخنگو - سخنگویان - جنگجو - جنگجویان .
دیگر آنکه (ه) غیر ملفوظ در جمع به ها حذف
نمیشود مانند : سایه ها - پایه ها .

اسم عام و اسم خاص اسم عام یا اسم جنس اسمی است که بر کلیه افراد و حیوانات و اشیاء هم جنس دلالت کند مانند : دختر - میز - اسب - الاغ .

اسم خاص اسمی است که مخصوص شخص و یا چیز معین باشد مانند : هوشنگ محمد شیراز رخس مهتاب و... اسم خاص را اسم علم نیز گویند .

اسم بسیط و مرکب - اسم بسیط (ساده) آنست که يك کلمه باشد مانند : شب - زمین - خانه - مرد .

اسم مرکب آنست که از دو کلمه یا بیشتر ترکیب شده باشد مانند : گلاب - باغبان شیرین سخن - کاروانسرا اسم مرکب بر چند قسم است بدین ترتیب :

۱ - مرکب از دو اسم مانند : گلاب - آب نبات

۲ - مرکب از دو مصدر مرخم مانند : گفت و شنید

دید و بازدید .

۳ - مرکب از دو فعل مانند : کشاکش - رستاخیز

۴ - مرکب از اسم و صفت مانند : زردکوه - سفیدرود

نوروز .

۵ - مرکب از فعل و صفت مانند : شادباش .

۶ - مرکب از مصدر مرخم و فعل امر مانند : شستشو

جستجو .

۷ - مرکب از اسم و پساوند مانند : چشمه سار - نمکدان

- مرکب از اسم و عدد مانند چهارده .

۹ - مرکب از اسم و فعل مانند : جاروب .

۱۰ - مرکب از پیشاوند و فعل امر مانند : بازرس - بازگو .

۲ اسم جمع - اسم جمع آنست که بظاهر مفرد ولی در

معنی جمع باشد.

مانند : گروه - گله - لشکر - فوج - قوم .

۳ اسم آلت - آنست که با افزودن (ه) غیر ملفوظ

بآخر فعل امر حاصل گردد مانند : ماله - تیغه

۴ جمع مکسر - در این حالت برای جمع بستن

قاعده‌ای در دست نیست و باید اینگونه جمعها را حفظ نمود

جمع مکسر یا شکسته با تغییر دادن جای حروف و یاءداهای

حروف در مفرد پدید می‌آید مانند : طفل - اطفال - شاعر -

شعرا - امر - امور - خادم - خدمه .

حالات اسم اسم را چهار حالت است ۱ - فاعلی

۲ - مفعولی ۳ - اضافه ۴ - ندا .

۱- حالت فاعلی - آنست که اسم فاعل واقع شود

مانند : محمد آمد که (محمد) فاعل فعل آمد است فاعل همیشه در پاسخ که وجه قرار میگیرد .

۲- حالت مفعولی - آنست که اسم متمم معنی فعل

باشد و بردو گونه است بیواسطه یا صریح و باواسطه یا غیر صریح مانند : محمد کتاب را آورد که کلمه (کتاب) مفعول بیواسطه است علامت مفعول بیواسطه (را) است .

مفعول با واسطه آنست که با واسطه حروف اضافه مفعول واقع شود مانند علی به دییرستان رفت کلمه (دییرستان) مفعول باواسطه است مفعول باواسطه در جواب (بکه و بیچه) و غیره قرار میگیرد .

۳- حالت اضافه - اگر اسمی بعد از اسم دیگر

آمده معنی اسم اول را کامل کند گویند دارای حالت اضافه است در این حال اسم اول را مضاف و اسم دوم را مضاف الیه گویند . اضافه برینج قسم است بدین ترتیب :

۱ - اضافه ملکی - آنستکه مالکیت را برساند مانند:

کتاب علی - خانه محمد

۲ - اضافه تخصیصی - در این حالت مضاف مخصوص

مضاف الیه است مانند : در اطاق - تخته سیاه / صفت موصوف

۳ - اضافه بیانی - در این حالت جنس مضاف وسیله

مضاف الیه بیان میشود مانند : انگشتر طلا - سینی نقره

۴ - اضافه تشبیهی - آنستکه مضاف به مضاف الیه

تشبیه شود مانند : لب لعل - قدسرو .

۵ - اضافه استعاری - در این حالت مضاف در غیر

معنی حقیقی خود بکار میرود مانند : دست روزگار -

چنگال مرگ .

۶ - حالت ندا - آنستکه اسم منادی واقع شود و

علامت آن (الف) در آخر و (ای) در اول اسم است مانند :

خدایا - پروردگارا - ای مرد - ای زن

* مترادف - دو کلمه را مترادف گویند که در نوشتن

مختلف و در معنی یکسان باشند مانند : خوب و نیک

* متشابه - دو کلمه را گویند که در تلفظ یکی بوده

ولی در معنی مختلف باشند مانند : خوار - خار

* متضاد - دو کلمه را گویند که در صورت ظاهر

مختلف و در معنی مخالف یکدیگر باشند مانند : جنگ
و آشتی بد و خوب.



فصل دوم = صفت

صفت کلمه ایست که حالت و چگونگی اسم را بیان کند
مثل- کتاب خوب- مرد دانا هر اسمی که بوسیله صفتی توصیف
شود موصوف نامیده میشود در مثالهای فوق کتاب و مرد
موصوف میباشند صفت یا جامد است مانند : خوب - بد یا
مشتق است یعنی از ریشه فعلی گرفته شده است مانند دانا
توانا صفت مشتق دارای انواعی است از اینقرار :

۱- صفت فاعلی - که برکننده کار دلالت می کند و
با افزودن علامتهای (نده - ان - ا) بآخر فعل امر ساخته
میشود مانند: گوینده - گویا - گویان - جوینده - جويا
صفت فاعلی در صورتیکه با کلمه دیگر ترکیب شود ممکن
است علامت صفت فاعلی از آخر آن حذف گردد مانند :
سخنگو و جنگجو که در اصل سخن گوینده و جنگجوینده
بوده است .

۲ - صفت مفعولی - که با افزودن (ه) بآخر مصدر

مرخم ساخته میشود بر کسی یا چیزی دلالت میکند که فعل بر آن واقع شده باشد مانند : رفته، گفته صفت مفعولی نیز ممکن است با کلمات دیگر ترکیب شود و صفت مفعولی مرکب بوجود آید مانند : جهان دیده ، ستم کشیده .

۳ - صفت نسبی آن است که کسی یا چیزی را بجائی

یا چیزی نسبت دهد و با افزودن علامتهای زیر بآخر اسم ساخته میشود .

۱- (ی) مانند شیرازی - اصفهانی ۲ - (ین) مانند :

آهنین - زرین ۳ - (ینه) مثل زرینه - سیمینه ۴ - (ه)

مانند دوروزه - يك شبه - سده ۵- (گان) مثل گروگان - بازرگان

۶- (انه) مانند مستانه - زنانه .

اقسام صفت از لحاظ معنی - صفت از نظر معنی بر

سه گونه است ۱ - مطلق ۲ - تفضیلی ۳ - عالی .

۱ - صفت مطلق - آن باشد که فقط موصوف خود

را وصف کند و آنرا با موصوف دیگر نسنجند مانند کتاب

خوب .

۲- **صفت تفضیلی** - آنست که موصوف خود را از موصوف دیگر برتر نشان دهد و علامت آن (**تر**) است در آخر صفت مطلق مانند : زیباتر - بزرگتر .

۳- **صفت عالی** - آنست که موصوف خود را بهمه موصوفهای دیگر برتر نشان دهد و علامت آن (**ترین**) است در آخر صفت مطلق مانند بزرگترین - داناترین - زیباترین **مطابقه صفت با موصوف** - صفت همواره در فارسی مفرد است و با موصوف از لحاظ جمع مطابقه نمیکند مانند کتاب خوب - کتابهای خوب - سگ ولگرد - سگهای ولگرد . مگر وقتی که موصوفی که جمع باشد از جمله حذف شود و صفت جانشین آن گردد که در این صورت صفت جمع بسته میشود مانند : زهشیاران عالم هر که را دیدم غمی دارد .

فرق اضافه و صفت - فرق اضافه با صفت این است که صفت خود موصوف است در حالیکه مضاف الیه خود مضاف نیست مانند کتاب خوب (موصوف و صفت) آب و حوض (مضاف و مضاف الیه) .

فصل سوم = کنایات

کنایه کلمه‌ای است که معنی آن پوشیده باشد و برینچ گونه است .

۱- موصول- کلمه‌ای است که قسمتی از جمله را بقسمت دیگر آن پیوند دهد و آنرا دو علامت است (که وجه) (که) برای انسان (که و چه) برای غیر انسان مانند : شاگردی که مسابقه را برده بود وارد شد - هر چه بود آوردم - هر چه گفتمی کردیم - آنچه گوئی بکار می‌بیندیم پیش از موصول غالباً کلمات هر - هر آن - آنچه این و آن در آید .

۲ - ادوات استفهام - کلماتی هستند که پرسش را می‌رساند و باید در نوشتن پس از عبارت سؤالی علامت (؟) را گذاشت مانند : که - چه - کو - کجا - چرا - مگر - کدام - چون - چسان - چگونه و غیره که ترازد ؟ - چرا قبول نشدی ؟

۳ - مبهات کلماتی هستند که بابهام کسی یا چیزی

را نشان دهند مانند: هر - چندکس دیگر - فلان -

بهمان - چندان - یارو - چندین - هر که و غیره .

۴ - اسم اشاره - آنست که چیزی یا کسی را با اشاره

نشان دهد و دو علامت دارد (آن) برای اشاره بدور (این)

برای اشاره به نزدیک مانند : آن کتاب - این میز کلمات

کتاب و میز را مشارالیه گویند باید در نظر داشت که در اسم

اشاره این و آن همواره با اسم در آیند .

۵ - ضمیر - آنست که بجای اسم نشیند و برای

کوتاهی جمله و رفع تکرار بکار آید مانند حسین را دیدم و

باو گفتم کلمه (او) را ضمیر گوئیم کلمه ای که ضمیر جانشین

آن شده است را مرجع ضمیر گویند در مثال فوق (حسین)

مرجع ضمیر است .

اقسام ضمیر - ضمیر بر سه قسم است : ۱ - شخصی

۲ - اشاره ۳ - مشترك .

الف - ضمیر شخصی - آنست که از شخص سخن

گوید شخص در زبان فارسی برشش گونه است متکلم (اول

شخص مفرد و جمع) و مخاطب (دوم شخص مفرد و جمع)

و غایب (سوم شخص مفرد و جمع) ضمیر شخصی بر دو گونه است متصل - منفصل .

ضمیر شخصی منفصل - آن است که بطور جداگانه مورد استفاده قرار گیرد مانند : من - تو - او - یا وی - ما - شما - ایشان یا آنها .

ضمیر شخصی متصل - آنست که بفعل یا اسم اتصال یابد . ضمائر متصل فاعلی (م - ی - د - یم - ید - ند) که فقط به فعل پیوند مییابند و ضمائر متصل فاعلی خوانده میشوند و ضمائر متصل مفعولی (م - ت - ش - مان - تان شان) که اگر بفعل پیوند یابد ضمائر متصل مفعولی و هرگاه با اسم پیوند شود ضمائر متصل اضافه نامیده میشود .
ب - ضمیر اشاره - آن است که بجای اسم نشیند آنرا دو علامت است (آن) بجای اسم دور (این) بجای اسم نزدیک .

ج - ضمیر مشترك - کلمه ایست که در هر شخص یکسان باشد مانند: خود - خویش - خویشان .
ضمیر دو جانبه یا متقابل - آنست که در دو طرف

متقابل باشد و ادوات آن: یکدیگر، همدیگر و هم است .
 * باید دانست در زبان فارسی بیش از بیست و سه
 ضمیر نیست و (وی) نیز معنی (او) را میدهد و باین جهت
 آنرا بر تعداد ضمیر اضافه نمیکنند .

فصل چهارم = عدد

عدد برای شمارش بکار میرود و هر اسم که با عدد ذکر
 شود معدود نامیده میشود عدد بر پنج گونه است ۱ - اصلی
 ۲ - ترتیبی ۳ - کسری ۴ - توزیعی ۵ - تقریبی .

۱ - عدد اصلی - عبارتند از يك - دو ده -
 بیست نود - صد - دویست هزار - چند و اند
 معدود اعداد اصلی همیشه به از عدد قرار میگیرند مانند :
 چهار کتاب مگر در موارد استثنائی مانند ضرورت شعری
 و غیره که آنرا قبل از عدد میآورند معدود اعداد اصلی
 همیشه مفرد است مانند پنج مرد .

۲ - عدد ترتیبی یا وصفی - آن است که مرتبه و
 درجه معدود را بیان نماید مانند کلاس سوم برای ساختن

عدد ترتیبی آخر عدد اصلی را مضموم میکنیم و آنگاه حرف (م) را با آخر آن اضافه میکنیم مانند چهل - چهارم پنجاه پنجاهم و گاهی در آخر آن بجای (م) (مین) اضافه میکنند مثل : چهلمین - پنجاهمین .

۳ - عدد کسری - آن است که مقداری از عدد درست را نشان دهد مانند: سه پنجم - يك دوم که برای خواندن آن عدد صورت را بصورت عدد اصلی و عدد مخرج را بصورت عدد ترتیبی میخوانیم .

۴ - عدد توزیعی - آن است که معدود خود را بمقدار متساوی تقسیم کند مانند: پنج پنج - ده ده یا چهار به چهار - دو بدو .

۵ - عدد تقریبی - آن است که معدود را به تقریب بیان کند مانند : دو سه روز - سه چهار نفر .

فصل پنجم = فعل

قبل از دانستن فعل بهتر است بدانیم مصدر چیست. مصدر کلمه ایست که بدون قید زمان بر وقوع کار یا پدید آمدن حالتی دلالت کند (یعنی مصدر زمان ندارد) و علامت آن (دن) و (تن) است بشرط آنکه اگر (ن) را از آخر آن حذف کنیم سوم شخص ماضی باقی بماند مانند: زدن- گفتن مصدری که (ن) آخر آن حذف شود مصدر مرخم نام دارد اسم مصدر- اسم مصدر از لحاظ معنی مانند خود مصدر است و بچند طریق ساخته میشود از اینقرار:

۱- با افزودن (ش) بآخر فعل امر مانند: کوشش-روش

۲- با افزودن (ه) بآخر فعل امر مانند: خنده-گریه

۳- از ترکیب دو مصدر مرخم و فعل امر مانند: رفت

و آمد- برد و باخت.

۴- از ترکیب مصدر مرخم و فعل امر مثل: گفتگو

شستشو.

۵ - از ترکیب مصدر مرخم با (ار) مانند رفتار- گفتار.
۶ - با افزودن (ی) با آخر بعضی از اسمها و صفات.
مانند: خوبی - بدی - مردی - برادری باید دانست که اسم
مصدر حدوث را میرساند ولی به فاعل پیوستگی ندارد .
اقسام مصدر - مصدر بر چهار قسم است بسیط -
مرکب - اصلی - جعلی .

۱ - مصدر بسیط - آنستکه بی جزء باشد مانند :
رفتن - خوردن .

۲ - مصدر مرکب - آنست که چند جزء داشته
باشد مانند: برنشتن - سخن گفتن .

۳ - مصدر جعلی - آنستکه با افزودن (یدن)
با آخر بعضی از اسمهای فارسی یا مصدرهای عربی بدست
آید مانند : جنگیدن - آغازیدن - فهمیدن - طلبیدن .
۴ - مصدر اصلی - آنست که در اصل مصدر باشد
مانند: نوشتن - گفتن .

فعل - فعل آنستکه وقوع کار یا پدید آمدن حالتی
را در یکی از زمانها (گذشته - حال - آینده) بیان نماید.

فعل ماضی - وقوع کار یا حالتی را در زمان گذشته
بیان میکند و اقسام مختلفی دارد که معروفترین آنها عبارتند
از ماضی مطلق - نقلی - بعید - ابعد - استمراری - التزامی
۱ - **ماضی مطلق** - وقوع کاری را که کاملاً گذشته

است بیان میکند برای ساختن این فعل مصدر را مصدر مرخم
میکنیم سوم شخص ماضی بدست میآید سپس ضمایر شخصی
(م - ی - یم - ید - ند) را برای بدست آوردن بقیه
صیغه‌ها بآخر آن اضافه میکنیم رفتن (مصدر) رفت (مصدر
مرخم) رفتم - رفتی - رفت - رفتیم - رفتید - رفتند .

۲ - **ماضی نقای** - چون از این فعل بیشتر در نقل
داستانها استفاده میشود آنرا ماضی نقلی گویند برای ساختن
آن (ام - ای - است - ایم - اید - اند) را بآخر صفت
مفعولی فعل مورد نظر میافزائیم مانند : رفته‌ام - رفته‌ای
رفته‌است - رفته‌ایم - رفته‌اید - رفته‌اند .

۳ - **ماضی بعید** - فعلی است که برای بیان وقایعی
که از زمان وقوع آن مدت زیادی گذشته است بکار میرود
برای ساختن این فعل صفت مفعولی را در اول ماضی مطلق

فعل بودن اضافه میکنیم مانند : رفته بودم - رفته بودی.
رفته بود - رفته بودیم - رفته بودید - رفته بودند .

۴- ماضی استمراری - آنستکه وقوع کاری را در گذشته با استمرار بیان نماید این فعل بردو قسم است کامل. ناقص برای ساختن ماضی استمراری کامل (می) باول ماضی مطلق میافزائیم مانند: میرفتیم - میرفتی - میرفت - میرفتیم - میرفتید - میرفتند .

برای ساختن ماضی استمراری ناقص (ی) بآخر ماضی مطلق میافزائیم و از این ماضی بیش از چهار صیغه استعمال نمیشود مانند: رفتمی - رفتی - رفتی - رفتیمی - رفتندی و بهمین جهت آنرا ماضی استمراری ناقص گویند .

۵- ماضی التزامی - وقوع کار را با تردید در گذشته بیان میکند برای ساختن آن صفت مفعولی را باول مضارع التزامی بودن (باشم - باشی - باشد - باشیم - باشید - باشند) اضافه میکنیم مانند : رفته باشم - رفته باشی - رفته باشد - رفته باشیم - رفته باشید - رفته باشند .

۶- ماضی ابعـد - که زمان گذشته خیلی دور را

بیان میکند و برای نقل قول بکار میرود طرز ساختن آن
اسم مفعول بعلاوه ماضی نقلی بودن است مانند: رفته بوده ام -
رفته بوده ای - رفته بوده است - رفته بوده ایم - رفته بوده اید
رفته بوده اند .

فعل مضارع - وقوع کاری را در زمان حال و یا
آینده بیان میکند و بر دو قسم است اخباری - التزامی
۱ - مضارع اخباری - وقوع کاری را بطور خبر
در زمان حال و یا آینده بیان میکند برای ساختن آن فعل
امر را گرفته (می) در اول و ضمائر متصل شخصی در آخر
آن اضافه میکنیم مانند: میروم - میروی - میرود - میروید
میروند .

۲ - مضارع التزامی - وقوع کاری را باشک و تردید
در زمان حال یا آینده بیان میکند برای ساختن آن فعل
امر را گرفته (ب) در اول و ضمائر متصل شخصی در آخر
آن میافزائیم مانند: بروم - بروی - برود - برویم - بروید
بروند .

فعل مستقبل - وقوع کاری را فقط در زمان آینده

بیان میکند برای ساختن آن مصدر را مصدر مرخم میکنیم
و در آخر فعل مضارع خواستن (خواهم - خواهی - خواهد
خواهیم - خواهید - خواهند) میافزائیم مانند : خواهم
رفت - خواهی رفت - خواهد رفت - خواهیم رفت -
خواهید رفت - خواهند رفت .

فعل امر - انجام کاری را در زمان حال بخواهش
یا بفرمان بیان میکند این فعل اول شخص مفرد ندارد
مانند : برو - برود - برویم - بروید - بروند اگر بر اول
فعل امر (م) اضافه کنیم آن را فعل نهی مینامند مانند : مرو
مرو - مرویم - مروید - مروند گاهی بجای حرف (م)
از حرف (ن) در اول فعل امر را استفاده میکنند مانند :
نرو - نزن .

فعل لازم و متعدی - فعل لازم بفاعل اکتفا میکند
و نیازی بمفعول ندارد مانند : رسید - رفت فعل لازم هرگز
بمفعول بیواسطه نمیگیرد .

فعل متعدی آنست که گذشته از فاعل بمفعول بیواسطه
هم نیازمند است مانند : آورد - فرستاد مانند : علی کتاب
را آورد .

فعل معلوم و مجهول - اگر فاعل فعل در کلام ذکر شود آن فعل معلوم است مانند : علی کتاب را آورد و اگر فاعل در کلام ذکر نشود فعل مجهول است مانند : کتاب آورده شد فعل مجهول با اضافه کردن صفت مفعولی باول زمانهای مختلف ساخته میشود فعل لازم همیشه معلوم ولی فعل متعدی ممکن است معلوم یا مجهول باشد .

فعل تام و فعل ربطی - فعل تام آنستکه بتنهایی هم (مسند) وهم (رابطه) باشد مانند: رفت - آمد - گفت در صورتیکه مسند الیهی داشته باشیم میتوانیم باكمك فعل تام جمله بسازیم مانند : علی رفت . حسین گفت .

فعل ربطی آنستکه فقط در جمله (رابطه) باشد اگر بخواهیم با فعل ربطی جمله بسازیم باید هم مسندالیه وهم مسند داشته باشیم مانند : علی دانا است - هوا گرم بود . افعال ربطی عبارتند از : استن - بودن - شدن - گشتن - گردیدن .

وجوه افعال - فعل دارای چند وجه است بدین قرار :

۱- وجه اخباری - آنستکه چیزی را بکسی خبر

میدهیم افعال مربوط باین وجه عبارتند از :

ماضی مطلق - ماضی استمراری - ماضی بعید - ماضی

نقلی - مضارع اخباری - مستقبل .

۲- وجه التزامی - آنستکه کار را باشك و تردید

بیان کند افعال مربوط باین وجه عبارتند از :

ماضی التزامی - مضارع التزامی .

۳- وجه امری - کار را بطریق فرمان بیان میکند

افعال مربوط باین وجه عبارتند از : فعل امر و فعل نهی

مانند : بخانه برو .

۴- وجه مصدری - دراین حالت دو فعل متوالی

هم قرار گرفته‌اند و فعل دوم بصورت مصدر است فعل اول

همیشه یکی از این پنج فعل است (یا رستن - شایستن -

بایستن - توانستن - خواستن) مانند : کتابی توانم نوشتن

وجه مصدری را میتوان بصورت فعل نوشت .

۵- وجه شرطی - در صورتیکه دراول هر فعل کلمه

(اگر) قرار گیرد گوئیم آن فعل در وجه شرطی استعمال

شده است مانند اگر بیاید من میروم - اگر برود من هم میروم
در این گونه حالات هنگامی جمله دوم تحقق میپذیرد که
جمله اول انجام شود در وجه شرطی همیشه دو جمله داریم .
۶- وجه وصفی- آنستکه فعل را بصورت صفت
مفعولی در آوریم و بجای (لباس را خرید و بخانه آورد)
بگوئیم (لباس را خریده بخانه آورد) پس از وجه وصفی
استعمال (و) نادرست است .



فصل ششم = قید

قید کلمه ایست که فعل یا صفت یا قید دیگر را بزمان یا مکان یا حالت و یا مقدار و غیره مقید سازد و دارای اقسام مختلفی است باین ترتیب :

۱ - قید مکان - مانند: بالا - پائین - بیرون - درون - اینجا - آنجا .

۲ - قید زمان - مانند: زود - دیر - پیوسته - همیشه گاهی .

۳ - قید حالت - مانند: پیاده - سواره - خندان - نالان - گریان .

۴ - قید مقدار - مانند: کم - زیاد - فراوان - اندک بسی - بسا .

۵ - قید ایجاب - مانند: آری - بلی - همانا - لاجرم بی گمان .

۶ - قید نفی - مانند: هیچ - بهیچوجه - هرگز - نه

۷ - قید ترتیب - مانند: بیایی - دمام - یکایک .

فصل هفتم - حروف اضافه

حروف اضافه نسبت میان دو کلمه را بیان میکنند و عبارتند از: در- اندر برای - به - با حروف اضافه به تنهایی دارای معنی نیستند ولی هر يك از آنها وقتی در جمله بکار میروند معنی مخصوص به کلام میبخشند .

فصل هشتم - (حروف ربط - عطف)

حرف ربط دو جمله را بهم مربوط میسازد و حرف عطف دو کلمه را در يك امر شريك میسازد .

(حسین را دیدم و باو گفتم) - (من و علی با هم بدیرستان رفتیم) حرف (و) در مثال اول ربط و در مثال دوم عطف است حروف ربط و عطف عبارتند از :

و- پس - تا - لیکن - که - ولیکن و غیره این حروف نیز چون حروف اضافه به تنهایی معنی نداشته ولی در جملات معنی مخصوص به سخن میدهند .

فصل نهم - پیشاوندها و پساوندها

پیشاوندها و پساوندها کلماتی هستند که به تنهایی معنی مستقلی ندارند ولی وقتی بابتدا و یا انتهای بعضی از کلمات پیوند یابند معنی آنها را تغییر میدهند.

پیشاوندهای مهم عبارتند از : ۱- می ۲- همی ۳- در ۴- اندر ۵- فراز ۶- فرو ۷- باز ۸- بی ۹- با ۱۰- هم ۱۱- نا ۱۲- یاء ۱۳- تأکید میم نهی .

پساوندهای معروف عبارتند از : ۱- الف ۲- و ۳- چه ۴- ك ۵- ه ۶- ی ۷- گاه ۸- زار ۹- سار ۱۰- لآخ ۱۱- سرا ۱۲- كه ۱۳ استان ۱۴- سر ۱۵- سیر ۱۶- دان ۱۷- بار ۱۸- دم ۱۹- ان ۲۰- ین ۲۱- ینه ۲۲- ناك ۲۳- در ۲۴- گین ۲۵- آسا ۲۶- سان ۲۷- ار ۲۸- گار ۲۹- کار ۳۰- گر ۳۱- نده ۳۲- بان ۳۳- دار ۳۴- نام ۳۵- بد .

اقسام جمله - جمله بر چهارگونه است ۱- کامل

۲- ناقص ۳- مکمل ۴- معترضه .

۱- کامل مانند : سال گذشته بمشهد رفتیم که معنی آن کامل است .

۲- ناقص مانند : اگر بمدرسه بیایید که معنی آن نا تمام است .

۳- مکمل مانند : باهم درس میخوانیم که معنی جمله نا تمام فوق را کامل کرده است جمله مکمل جمله ای است که معنی جمله ناقص را کامل مینماید .

۴- معترضه مانند : دیروز که هوا خوب بود باعلی بگردش رفتیم جمله (که هوا خوب بود) معترضه میباشد زیرا بود و نبود آن اثری در بیان مطلب ندارد .
تجزیه و ترکیب

در تجزیه و ترکیب بایستی نوع هر يك از کلمات را در عبارت از نظر دستوری تعیین نموده و آنگاه نوع هر جمله را مشخص کنیم باید در نظر داشته باشیم که تعداد فعلهای هر عبارت برابر تعداد جملات آن عبارت میباشد .

۱- در اسم باید تعیین کنیم ذات است یا معنی - مفرد است یا جمع - بسیط است یا مرکب - عام است یا خاص

کتابخانه
شماره
۳

معرفه است یا نکره فاعل است یا مفعول مسند است یا مسندالیه دارای حالت اضافه است یا ندا .

۳- درصفت : باید مشخص کنیم که جامد است یا مشتق - فاعلی است یا مفعولی و یا نسبی - مطلق است یا تفصیلی یا عالی - کدام اسم را وصف میکند .

۳- درضمیر : مشخص مینمائیم که ضمیر شخصی است یا اشاره یا مشترك اگر ضمیر شخصی است متصل است یا منفصل و چندم شخص میباشد - مفرد است یا جمع - فاعل است یا مفعول - مسندالیه است یا مسند - مضاف است یا مضاف الیه مرجع ضمیر چیست .

۴- درفعل : باید ابتدا زمان فعل (ماضی - مضارع - مستقبل - امر) و آنگاه کدامیک که از اقسام ماضی یا مضارع است - چندم شخص است - مفرد است یا جمع - متعدی است یا لازم معلوم است یا مجهول - تام است یا ربطی - مربوط به کدامیک از وجوه افعال است (وجه اخباری - التزامی - امری - مصدری - شرطی - وصفی) .

۵- در عدد : بایستی تعیین کنیم که اصلی یا ترتیبی یا

- توزیعی یا کسری و یا تقریبی است - معدودش چیست .
- ۶- در قید : باید نوع قید (قید زمان- قید مکان - قید حالت - قید تعداد یا ایجاب یا نفی یا ترتیب) را تعیین کرد .
- ۷- در حروف - باید تعیین کرد اضافه است یا ربط یا عطف .
- ۸- چگونه جمله ای است از جملات کامل است ، ناقص است ، مکمل است یا معترضه و در پایان عبارت چند جمله دارد .

نظرات و پیشنهادات شما راهنمای ماست

آدرس : تهران صندوق پستی ۷/۷۰۳۳ نامه نگاری شیوا

